

تاریخ: ۵۸/۳/۸

بیانات امام خمینی در جمع کارگران و کارکنان روزنامه کیهان

بسم الله الرحمن الرحيم

وظایف خطیر مطبوعات

من به طور کلی مسائل را طرح می‌کنم، افراد چطور هستند من اطلاعی ندارم. به طور کلی در هر کشوری مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیو آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشد. مطبوعات باید ببینند که ملت چه می‌خواهد، مسیر ملت چیست، روشنگری از این طریق داشته باشند و مردم را هدایت کنند. اگر مطبوعات پیدا بشود مسیر آنها برخلاف مسیر ملت است، راهی که آنها می‌روند غیر از راهی است که ملت می‌رود و این بر فرض اینکه ملت هم و دولت هم اجازه بدهند که بنویسند و بگویند، لکن مورد تأیید این ملت نمی‌تواند باشد و نباید آن را حساب کرد که یک رسانه ملی است و یک روزنامه کشوری و ملی است و اگر خدای نخواسته در نوشتن و نوشتن، نوشتن مقالات انحرافی و نوشتن مقالاتی که در مسیر ملت است این نحو عمل بکنند، این به نظر می‌آید که توطئه در کار باشد، این غیر از آزادی مطبوعات است.

آزادی واقعی یعنی اجرای قوانین اسلام

آقایانی که اسم از آزادی می‌آورند، چه آقایانی که داخل در مطبوعات هستند و چه قشرهای دیگری فریادی از آزادی می‌زنند، اینها آزادی را درست بیان نمی‌کنند یا نمی‌دانند. در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است، در حدود قوانین آن مملکت است. مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند. معنی آزادی این نیست که هر کس برخلاف قوانین، برخلاف قانون اساسی یک ملت، برخلاف قوانین ملت هم هر چه دلخواش می‌خواهد بگوید. آزادی در حدود قوانین یک مملکت است. مملکت ایران مملکت اسلامی است و قوانین ایران قوانین اسلام است. در قانون اساسی زمان سابق هم این معنا که هر چه برخلاف قانون اسلام باشد قانونی نیست و قانون باید موافق با قوانین اسلام باشد، هست و هر قانونی که در ایران، قانون اساسی که در ایران بخواند قانونیت داشته باشد، نمی‌تواند قانونی باشد که برخلاف گفته پیغمبر اسلام، برخلاف گفته قرآن باشد. پس آزادی که گفته می‌شود که مطبوعات آزادند، بیان آزاد است، اینها معنایش این نیست که مردم آزادند که هر کاری می‌خواهند بکنند مثلاً آزادند دزدی بکنند، آزادند به فحشا بروند، آزادند مراکز فحشا درست کنند. این آزادی، آزادی غربی است (البته به

استثناء دزدیش) این آزادی غربی است که هر کس هر کاری دلش می خواهد بکند ولو اینکه فحشا باشد، ولو اینکه یک کارهایی باشد ناشایسته. اینطور آزادی در ایران نمی تواند باشد، آزادی در حدود قانون باید باشد. قوانین اسلام را باید ملاحظه کرد، در چهارچوب قوانین اسلام، در چهارچوب قانون اساسی، بیان آزاد و بحث آزاد. این اشتباهی است می کنند اینهایی که فریاد از آزادی می زنند، اینها غریزه اند، آزادی غربی می خواهند. اینها که دم از دمکراسی می زنند، اینها همان دمکراتیک غربی می خواهند، آزادی غربی را می خواهند یعنی بی بندوباری. در غرب هر چه شده است ما هم باید تبع آنها باشیم، اینها جزو غریزه ها هستند. روزنامه ها آزادند مطالب بنویسند، مسائل بنویسند، اما آزاد هستند که اهانت به مثلاً مقدسات مردم بکنند؟! آزادند که فحش به مردم بدهند؟! آزادند که تهمت به مردم بزنند؟! همچو آزادی نمی تواند باشد، آزادی توطئه نمی تواند باشد. اگر روزنامه ای فرضاً (من نمی خواهم یک روزنامه ای را بگویم اینطور است) اگر یک روزنامه ای توطئه بر ضد مسیر ملت می خواهد بکند با نوشتن چیزهایی که برخلاف مسیر ملت است و با نوشتن چیزهایی که بر مسیر ملت است، اگر بخواد توطئه بکنند و راهی برود که دشمن های یک ملت آن راه را می روند، ترویج بکند از کارهای دشمن های یک ملتی، بنویسد چیزهایی که مربوط به دشمن های یک ملت است، اگر اینطور باشد، اینطور آزادی ها را ملت ما نمی تواند بپذیرند.

ملت ما اینهمه زحمت کشیدند و اینهمه خون دادند و اینهمه گرفتاری پیدا کردند و اینهمه فریاد زدند، اینها برای اسلام این کارها را کردند، اسلام را مردم می خواهند. اگر چنانچه ما اسلام نداشتیم، الان همه همان معانی سابق بود. مردم برای جهات دیگری غیر از اسلام نمی روند خون خودشان را بریزند. مردم شهادت را می خواهند. الان هم باز اشخاصی می آیند از من استدعا می کنند که دعا کنید که ما شهید بشویم. شهادت را برای چه می خواهند؟ شهادت را برای این می خواهند که مثلاً غیر اسلام چیز دیگری تحقق پیدا کند؟! یک دمکراسی غربی باشد؟! یک آزادی مثل شوروی باشد؟! یک آزادی مثل مثلاً آمریکا باشد؟! یا اسلام را می خواهند؟ اگر اسلام نبود همه اینها که دارند می گویند آزادی، آزادی، همه اینها یا در اروپا باید زندگی بکنند یا در بیغوله ها. اسلام اینها را از بیغوله ها بیرون آورد و از خارج کشور آورد به داخل، حالا که آورده باز حرف هایی می زنند که مسیر، مسیر اسلام نیست. این کاری که اسلام کرد این بود که شماها را آزاد کرد، شماها را از حبس ها بیرون آورد، شماها را از تبعیدات برگرداند. شماهایی که رفتید در خارج نشستید و تماشا کردید تا خون مردم ریخته شد، حالا فرصت به دستتان آمد و امید به ایران. همچو کرد که شما حالا آزاد شدید، لکن آزادی که بر ضد اسلام صحبت کنید. آزادی که بر ضد همان که شما را آزاد کرده است، بحث بکنید. آزادی که همه چیز بگوئید، الا اسلام. همه حرف ها را بزنید، همه چیز خوب است، لکن از اسلام صحبت نشود. اگر یک کسی از اسلام صحبت می کند به او حمله بکنید. این حرف ها نیست در کار، مطبوعات و کلیه چیزهایی که در یک کشوری هست به خدمت ملت باید باشد. برای یک ملتی باید آموزنده باشد. مسیر ملت را باید روشن کند نه اینکه برخلاف مسیر ملت عمل بکند. هر جا و هر روزنامه ای، هر مطبوعاتی و هر چه

که از این رسانه‌های تبلیغاتی هست، همه اینها باید مسیرشان همان مسیر ملت باشند و تخلف از این نکنند. این هم بر صلاح خودشان است، هم بر صلاح کشور است و هم موافق با قوانین موضوعه در یک کشوری است. من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه شماها موفق باشید به خدمت. امروز روزی است که باید همه خدمت بکنند. امروز روزی نیست که هر کسی به یک طرف بکشد. همه این مسیر ملت که راه افتاده است. ملت، ببینیم چه کرد، ملت چه می‌خواهد. — ملت — همان که ملت می‌خواهد همه با هم باید دنبال این برویم. همان که این قدرت بزرگ را به هم زد و شکست باید دنبال او رفت تا بتوانیم نجات بدهیم ملت را. اگر این مسیر را ما دست از آن برداریم، حرف‌هایی، هی بنشینند یک مطلب بگویند، اختلاف ایجاد بکنند، این اسباب این می‌شود که ما نتوانیم این نهضت را به آخر برسانیم. من یک هشدار می‌دهم به روزنامه‌نویس‌ها، به رادیو و تلویزیون، به جمعیت‌هایی که هر کدام حالا پیدا شدند، به همه جمعیت‌ها، این یک هشدار است به اینکه همه جمعیت‌ها اگر بخواهند خیانت نکنند به ملت، اگر بخواهند خدمت کنند به کشور، مطالعه کنند ببینند مسیر این ملت چه بود، چرا این ملت به خیابان‌ها ریخت و الله اکبر گفت، چرا جوان‌هایش را داد و شب پشت بام‌ها رفت و فریاد زد و مرگ بر که و زنده باد بر که گفتند، این برای چه بود؟ برای اسلام بود، اینها اسلام می‌خواستند فقط مسأله این نبود که ما آزادی می‌خواهیم، آزادی منهای اسلام نمی‌خواهند ملت ایران، ملت ایران اسلام را می‌خواهد. آزادی باشد لکن مثل شوروی باشد؟! آزادی باشد لکن مثل مملکت دیگری باشد، اجنبی باشد؟! کی همچون چیزی را ملت ما می‌خواست. این آقایان در اشتباهند، من نمی‌گویم خائند، من می‌گویم در اشتباهند باید اشتباهات خودشان را رفع کنند، باید همه با هم باشند، همانطوری که همه با هم به اینجا رسیدند، همه با هم از اینجا تا آخر مسیر که ما در اولش حالا هستیم، همه با هم این مسیر را طی بکنیم. انشاء الله خداوند همه را هدایت کند و همه ما به راهی که خدای تبارک و تعالی راضی است قدم برداریم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته